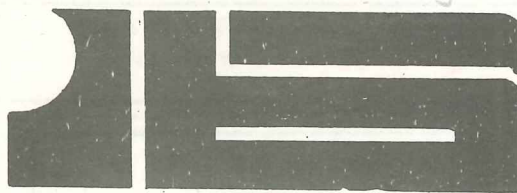


از هر قطره خون ما  
بدها فدائی بر می خیزد  
از وصیانه فدایی شهید خرم و لکری

ویریه ۵۵۵  
به یاد حماسه شهادت رفقا  
مختوم، توماج،  
واحدی و جرجانی



۸ صفحه - قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۵۸

آخرین تحقیقات سازمان پیرامون ترور وحشیانه رفقا

# توماج، مختوم، واحدی و جرجانی

(این تنها گوشه‌ای از جنایات دژخیمان است. (د صفحه ۲)



رفیق طواق محمد واحدی

روی پل شمال غربی شهر پاسداران به هردوما شین ایست می دهند. ما شین اول را با زرسی می کنند و اجازه حرکت می دهند ولی تمام سر نشینان ا تومبیل دوم را که رفقای ما بودند بازداشت می کنند کتک می زنند در خبر آن اول بار روز دوشنبه ۲۲ بهمن در فوق العاده "کار" انتشار یافت. روزنامه خمپوری اسلامی سه شنبه ۲۳ بهمن ماه اعلام می کند توماج همراه با سه تن دیگر به تهران اعزام شده اند. خبر اعزام رفقا به تهران توسط حجت الاسلام نور مفیدی (کیهان ۲۷ بهمن) و خلخالی (کیهان ۳۰ بهمن) تأیید شده است.

روز دوشنبه ۲۲ بهمن مطلع شدیم که رفقا به زندان اوین تحویل شده اند. رفقا قبل از اولین ساعات روز جمعه ۲۶ بهمن از زندان اوین به مرکز سپاه پاسداران سلطنت آباد، به شخصی به نام "محسن رفیق دوست" که معاون فرمانده سپاه است تحویل داده می شود. همان شب بنی صدر رئیس جمهور به سازمان اطمینان می دهد گنه جان هیچ یک از بازداشت شدگان در خطر نیست. اما سحرگاه روز دوشنبه ۲۹ بهمن در نقطه‌ای در جنگل برف گرفته گلستان بین گنبد و جنتورود دقیق تر بگوئیم بین مینودشت و چمن بیدرفقارا نا جوانمردانه هدف گلوله‌های ژ ۳ قرار می دهند و آنان را پس از شکنجه غرقه در خون به شهادت می رسانند.



رفیق شیرمحمد درخشنده توماج

آخرین تحقیقات سازمان ما پیرامون ترور فجیع و وحشیانه رفقای شهید، شیرمحمد درخشنده توماج عبدالحکیم مختوم، طواق محمد واحدی و حسین جرجانی نشان می دهد که نقشه کشتن رفقا، برافروختن جنگ در گنبد و کشتار مردم بی گناه از تهران و از سپاه پاسداران مرکز هدایت و رهبری شده است.

مطابق اطلاعاتی که به دست آورد ما یکم روز پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه، هیئت ۵ نفری وزارت کشاورزی مامور حل مساله زمین و رسیدگی به کار شوراها دهقانی به اتفاق هر چهار نفر رفقای شهید در ساختمان ستاد جلسه مشترک داشتند. جلسه تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب ادامه یافت و سپس هر ۹ نفر با هم از ساختمان خارج می شوند. هیات ۵ نفری با یک ماشین و رفقا با ماشین دیگر به راه می افتند.

از همه هم میهنان و از همه کسانی که دلشان برای استقلال، آزادی و رهایی زحمتکشان می تپد می خواهیم که حقایق مربوط به فاجعه ترور رهبران خلق ترکمن را به گوش همه مردم به ویژه زحمتکشان برسانند.

## مردمی که متحدند همه قهرمانند همه فدائی اند

فدائیان خلق، توماج، مختوم، جرجانی و واحدی از پایه گذاران و رهبران شوراها دهقانی ترکمن صحرا، ستاد مرکزی شوراها کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بودند. زندگی آنها با مبارزه دهقانان علیه زمینداران و طبقه سرمایه دار ایران آنچنان درآمیخته است که نمی توان از آنان به تنهایی سخن گفت. آنها با تمام هستی خویش در راه ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه کردند و با افتخار به شهادت رسیدند. ترور رفقا، در زندان جمهوری اسلامی، که نتایج برداشتن آن است. ما در این فوق العاده ترجیح دادیم از شوراها دهقانان سخن گوئیم. چه جرجانی سخن از توماج، مختوم، جرجانی و واحدی گفته شود، جز سخن دهقانان ترکمن صحرا، شوراها آنان و مبارزات خلق ترکمن علیه امپریالیسم، زمینداران بزرگ و طبقه سرمایه دار ایران نمی توان گفت.

ترکمن صحرا از درون و بیرون می جوشد. از دل های داغدار دهقانان ترکمن شمله های خشم زبانه می کشد. شعله هایی که سرانجام همه سرمایه داران و زمینداران وابسته به امپریالیسم و همه مزدوران حنا پیکار آنها را در میان خود خواهد سوزاند. برگونه های سالخوردگان ترکمن اشک غم توماج نشسته است. غم شهادت فدائیان که رهبران خلق ترکمن بودند. خلق ترکمن هر روز گام نوینی در راه اتحاد و شکل خود در شوراها و در اختیار گرفتن زمین های ترکمن صحرا برداشت. فرزندان انقلابی خلق ترکمن توماج ها، مختوم ها، واحدی ها و جرجانی ها که هر یک سالها علیه رژیم شاه مبارزه کرده بودند از قیام تا به امروز لحظه ای نیا سو ندند. همه چیزشان در عشق و وزیدن به زحمتکشان خلاصه می شد و می شود. گاهی روزها زبی هم می گذشت که رفقا حتی وقت یک ساعت بقیه در صفحه ۳

## در این شماره:

فاجعه ترور رفیق بیژن جزنی  
و همزمان تکرار شد

در صفحه ۶

کارنامه یک ساله

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

در صفحه ۴

جانیان آتش گشودند

و فریاد زنده باد خلق، زنده باد شورا

در عطر خون پیچید

در صفحه ۲

گرامی باد خاطره رفقای شهید

در صفحه ۸

### در اهتزاز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## این تنها گوشه‌ای از جنايات درخيمان است

ترور ناجوانمردانه رفقا مختوم ، توماج ، جرجانی و واحدی تنها گوشه‌ای از جنايات درخيماني است که دست خود را به خون انقلابيون خلق آلودماند . دکتر شهنازی را در خانه اش اسير کردند و پس از شکنجه های وحشیانه با سرنیزهای درآوردند و شهید کردند . دکتر شهنازی از فداکارترین فرزندان خلق ترکمن بود که زندگی خود را وقف انقلاب ورهائی خلق ساخته بود . ترور ناجوانمردانه شهنازی تکرار ترور ناجوانمردانه رفیق شهید و ندادایمانی است .

بهر روز آخوندی نوجوان دانش آموز ۱۶ ساله را غروب روز دوشنبه ۲۲ بهمن در شهر دستگیر می کنند . او را کشان کشان با ضربات تفنگ به شهر می آورند و در حضور هزاران نفر از مردم یکی از پاسداران به نام " کیهان ستاره سراب " به پای او شلیک می کند و می گوید راه برو . او به زمین می غلطد . باقتدای تفنگ بر مغز می گوید و وقتسی از حال رفت بایک رگبار ۳-۴ به زندگی معصومانهاش خاتمه می دهد .

۳ نفر از اسرای ترکمن را روز جمعه ۳ اسفند در گنبد ترور می کنند که هویت آنان هنوز برای ما روشن نیست . آخرین خبرهایی که از منطقه دریافت کرده ایم تعداد مفقود شدگان ترکمن را ۳۰ نفر اعلام کرده اند . در میان مردم شایع است که تعداد اسرانی که ترور شده اند ۲۸ نفر بوده اند که همگی بدون محاکمه تیرباران شده اند . تحقیقات بیشتر در این زمینه را ادامه خواهیم داد .

مردم ایران بدانند که در جمهوری اسلامی ایران این جنايات فحیح نه تصادفی است و نه بی سابقه . اما جو اختناق که بر مطبوعات حاکم است و سانسور و حشتناکی که راديو - تلویزیون را در خود فرو برده است ، اجازه نداد مردم میهن ما بطور وسیع از این توطئه های شوم مطلع شوند . ترور رفیق شهید و نداد ایمانی معلم زحمتکش درمازندران ، ترور برادران میرشکاری در کرمان تنها نمونه های از این فجایع است که هر روز تکرار می شود . بیژن نوبیری راه هم می خواستند سر به نیست کنند . مردم به یاد دارند که روز اول آبان ماه روزنامه جمهوری اسلامی اعلام کرد که بیژن نوبیری ( عضو سازمان - شاخه آذربایجان ) را که پاسداران بازداشت کرده بودند ، در راه بوگان دمکرات هلاک روده اند و حال آن که در همان روز عده های از پاسداران او را به تهران آورده و در یکی از خانه های امن خود مخفی کرده و زیر شکنجه کشیده بودند . سازمان ما روز ۹ آبان در بیانیه ای که برای افشای این توطئه سپاه پاسداران انتشار داد اعلام کرد :

" نظر به اهمیت مساله و عواقبی که سکوت در برابر این جنایت سازمان یافته و احیاء ساواک در سر نوشت مردم میهن ما دارد وظیفه خود می دانم که پیگیرانه این توطئه گری های سازمان یافته رژیم را افشا کنم "

اکنون با تشیبات خائنانا رجاعی ترین جناح های حکومت و سکوت و تائید جناح های دیگر ، جنایتی بس فجیع تر از کشتار رفقا بیژن جزنی و هم زمان ، توسط فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تکرار شده است . این جنايات که همگی در نخستین سال پیروزی بردستگاه های جهنی ساواک و رژیم جنایتکار شاه رخ داده اند همگی گویای آن است که همان درخیمان با طینتی پست تر و شیوه هائی پلیدتر به شکار و کشتار انقلابيون پرداخته اند .

## جانیان آتش گشودند

### و فریاد زنده باد خلق ، زنده باد شوراه

### در عطر خون پیچید

مشت برسینه کوفت و فریاد زد :  
" مرگ برخان ، مرگ بر سرمایه دار "  
" زنده باد شوراه ، زنده باد خلق "  
و صدای درخشانش در گلوله ها خاموش شد  
آ... آ... ی توماج ... توماج  
قهرمان " شوراه " توماج  
\* \* \*  
شاه ، رفیقان را هراسان به گلوله بست  
فدائیان و مجاهدان را به گلوله بست  
تپه های اوین ، تپه های اوین  
آنروز ۹ رزمنده فدائی و مجاهد  
بر تپه های اوین ایستادند  
۹ رزمنده خلق در برابر دشمن ایستادند  
آتش رگبار جلادان گمانه بست  
۹ پرند سرخ انقلاب به خون نشست  
دیروز بر تپه های اوین ، ۹ جزیره خون  
و امروز ... بردمانه جنگلی ترکمن صحرا ...  
آ... آ... ی توماج ... توماج  
جزیره خون ترکمنی ، توماج  
\* \* \*  
خلق ترکمن فریاد کشید  
دشت های درو نشده فریاد کشیدند  
ستاد شوراهای ترکمن صحرا  
بادهان سوخته بجره ها ، فریاد کشید  
رودخانه های ترکمن صحرا فریاد کشیدند  
آسمان ترکمن صحرا فریاد کشید  
آ... آ... ی توماج ... توماج  
فریاد ترکمن صحرا ، توماج

\* \* \*  
شبان ، کنار رفیقان ایستادی  
در برابر دشت و ستاد و شورا  
ستاره های ترکمنی در آسمان صحرامی درخشیدند  
وماه ترکمنی در آینه رودخانه خنجرى خونین بود ،  
جانیان آتش گشودند  
و فریاد " زنده باد خلق ، زنده باد شوراه "  
در عطر خون پیچید  
و چون صاعقهای خونین  
از " یورت شیخان " تا " اینچه برون "  
واز " کمیش تپه " تا " شیخ لر " آتش گرفت  
نگاه کن ... نگاه کن  
این دریای پرچم های سرخ  
که بردست کودکان ترکمن صحرا به گردش در آمده است  
خون دلوران ترکمن صحراست  
خون صیادان و کشتگرانست  
خون زمین و شورااست  
خون آوازه خوان رفیقانست  
خون آوازه خوان توست ، توماج  
آ... آ... ی توماج ... توماج  
تورخونین صیادان ، توماج  
داس خونین دهقانان ، توماج

سعید سلطانپور  
شنبه ۴ اسفند

آ... آ... ی ، توماج ... توماج  
رفیق خلق ، فدائی ترکمن  
گل عصیانی زندان های شاه ، توماج  
آ... آ... ی توماج ... توماج  
\* \* \*  
ماه روی جنگل های " گلستان "  
ماه در سینه رودخانه " کالیکش "  
خنجر آخطار حادثه های خونین بود .  
ماه در آینه های موج می شکست .  
آ... آ... ی توماج ... توماج  
لاله توفانی دشت های خون ، توماج  
\* \* \*  
سایه ها در دشت های ترکمن صحرامی لرزید  
ترکمن مادری  
زخم شعله ور فرزند دلیر می بست  
ترکمن پدری  
خشب از کمر می گرفت  
بالب هائی آتش گرفته و لیزان  
که شهیدان حادثه خونین را شماره می کرد  
آ... آ... ی توماج ... توماج  
ستاره های خونین صحرای ترکمن ، توماج

\* \* \*  
چکمه پوشان در کانون فرهنگی ترکمن می گشتند  
پوزه به خون بردگان در ستاد شوراهای گشتند  
شک های خون بر دیوارهای گنبد می درخشید  
واو به های برهنه از دلوران کوچنده پر بود  
هنوز گلوله های پاسداران جنایت و سرمایه  
در سینه پرستاره شبی نشست  
و در کنار های دور و نزدیک  
دلوران ترکمن را شکار می کرد  
آ... آ... ی توماج ... توماج  
فرزند دلیر خلق ، توماج  
\* \* \*  
ماه شکسته بهمن در ابر می گشت  
و رودخانه جنگلی زمزمه ای دیگر گونه داشت .  
در بای همه گرانام تورامی گفت  
صیادان ترکمن نام تو را بر لب داشتند  
کشتکاران ، شبانه نام تو را می خواندند  
باد های ترکمن صحرا نام تو را می بردند  
مادران از خواب پرخون و خوف می پریدند  
و چشم پدران کنار فانوس های درخشید  
آ... آ... ی توماج ... توماج  
رزم آرو صیادان و کشتگران ، توماج

\* \* \*  
تایماز کنار پنجره آمد  
و هراسان در شب آتش و کشتار نگریست  
همسرت گیسو پریشان کرد  
و در برابر دشت پرشمله و دود ایستاد  
در برابر دشت های درو نشده " شورائی "  
در برابر ستاد آتش گرفته " شوراه "  
آنجا ، مادری در گوشه و پیکر به راه افکند  
و چشم در چشم چکمه پوشان فریاد زد

## گرامی باد خاطره همه شهیدای خلق



## میراثی از شهید جرجانی

بقیة از صفحه ۱

## مردمی که متحدند همه ...

بیزن جزئی و همزمان هستند. رفقا بالیخندهای ملایم خود جنایتکاران را تحقیر می کنند. رفقا شکنجه می شوند اما با اراده های استوار... سرکوبگران و جنایتکاران نشان می دهند که تا چه حد به خلق های ایران عشق می ورزند و تا چه حد به آرمان زحمتکشان وفادارند. رفقا به حماسه شهادت رفیق بیزن و همزمان می اندیشند. رفقا به زحمتکشان ترکمن می اندیشند. رفقا به ستادشوراهای دهقانان و کانون فرهنگی- سیاسی خلق ترکمن فکر می کنند. رفقا به فردای بیروزی زحمتکشان می اندیشند و به لیخند زنتان و کودکان ترکمن صحرا فکر می کنند. رفقا را به رگبار می بندند. فزاید زنده باد شوراهای دهقانان ترکمن، زنده باد خلق های ایران و زنده باد سازمان جریک های فدائی خلق ایران در قسامی پیچد و صدای رگبار مسلسل ها از خود غرق می کند. رفقا زنده اند. رفقا در ترک شک دهقانان زحمتکش مین، در قلب همه هواداران سازمان و در دل همه کسانی که دلشان برای استقلال ایران و رهایی زحمتکشان می تپد زنده اند فقط در خیابان می میرند.

بیکر غرقه به خون شهادت خلق عطر گل های بهاری را در فضا می پراکند. دردش های ترکمن صحرا لاله ها طراوت تازه ای یافته اند. دردش های ترکمن صحرا که با خون جوانان آبیاری شده است هم اکنون هزاران توماج و مختوم روئیده است. هر فرزند ترکمن یک توماج، یک مختوم، یک واحدی و یک جرجانی است. مردمی که متحدند. مردمی که به پسا خاسته اند، همه قهرمانند. همه فدائی اند. سرکوبگران شاید بتوانند برای چند صباحی در دشت های ترکمن صحرا بکناز می کنند. اما هرگز نمی توانند شعله های فروران عشق به آزادی و استقلال و رهایی از جنگ بیدادگری زمینداران و سرمایه داران را خاموش سازند. مبارزات خلق ترکمن ناروژی که تنها یک کودک ترکمن در سرزمین ایران زنده است ادامه دارد. مبارزات خلق ترکمن و همه خلق های ایران تا پیروزی نهائی که چندان دور نیست باشکوه تمام ادامه دارد.

حواب پیدائی کردند. وقتی لیخند رضایت زنان و مردان زحمتکش ترکمن صحرا را می دیدند همه خستگی ها از نشان بیرون می رفت. رفیق توماج مثل همه رفقا شیفته زحمتکشان و رهایی آنها بود و جان خود را کوچکترین هدیه ای می دانست که همواره از مصمم قلب حاضر بود به پای دهقانان زحمتکش بریزد و ریخت. رفقا روزهای متوالی وقت نمی کردند برای لحظه ای به لیخندهای فرزندان شیرخواره خود پاسخ دهند، آنها در لیخند هر کودک ترکمن صحرا لیخندهای معصومانه فرزندان خود را می دیدند آنها فدائی خلق بودند.

زندگی مبارزاتی خلق ترکمن با عظمتی شورانگیز ادامه داشت و مردم دست در دست هم هر روز گام تازه ای علیه زمینداران بزرگ و سرمایه داران و پیشبرد مبارزات خلق های ایران برمی داشتند.

سرانجام در ۱۹ بهمن، روز سالگرد قیام و سالروز حماسه سیاهکل دشمن هجوم آزه ای را علیه زحمتکشان ترکمن صحرا آغاز کرد. هجومی نا جوانمردانه و وحشیانه به منظور درهم شکنی اتحاد دهقانان، سرکوب شوراهای و سرمایه داران باز پس گرفتن زمین ها. تا ترکمن صحرا نمونه ای برای همه دهقانان زحمتکش ایران نشود. تا نهال رشد و اتحاد کارگران و دهقانان را که در دشت های ترکمن صحرا روئیده است از ریشه برکنند.

این هجوم روزهاست آغاز شده است. دهها تن از فرزندان دلاور خلق ترکمن به شهادت رسیده اند ارتش و سپاه با سواران با هم کاری مزدوران محلی در مناطق مختلف ترکمن صحرا مستقر شده اند و به خانه گردی و دستگیری زحمتکشان ترکمن پرداخته اند. فدائیان خلق توماج، مختوم، واحدی و جرجانی رهبران خلق ترکمن که پیش از آغاز میتینگ ۱۹ بهمن دزدیده شده بودند همانگونه که انتظار می رفت در زندان جمهوری اسلامی به نا جوانمردانه ترین شکلی شکنجه و به شهادت رسیده اند. با شناختی که از رفقا داریم می توانیم روحیه آنها را در هنگام اعدام تصویر کنیم. رفقا به یاد حماسه شهادت رفیق

در آستانه قیام، شورای دهقانان تاتار علیا تشکیل شد. شورا دارای ۸ نماینده بود. رفیق شهید جرجانی از همان آغاز نزدیک ترین ارتباط را با شوراهای منطقه تاتار علیا داشت. شورا در نخستین اطلاعیه خود خواست اولیه دهقانان را به شرح زیر اعلام می کند:

- ۱- باز پس گرفتن زمین های غصب شده اهالی روستا به مساحت ۴۵ هکتار
- ۲- همکاری با روستائیان قورچای، اوغلی پائین، اوغلی بالا، برای پس گرفتن زمین های غصب شده روستاهای مزبور به مساحت ۴۰ هکتار
- ۳- مصادره ماشین آلات کشاورزی و وسائل مربوط به غاصبان زمین
- ۴- کشت زمین های گرفته شده به شکل تعاونی
- ۵- جلوگیری از تجاوز به مراتع و مرز بندی آنها و مرمت راهها
- ۶- حل اختلافات محل و ایجاد ارتباط مستمر با روستاهای هم جوار جهت همکاری و هم فکری
- ۷- تشکیل شورای قالیبافان از طریق انتخابات آزاد
- ۸- ایجاد صندوق تعاونی جهت کمک به افراد نیازمند
- ۹- ایجاد و گشایش کتابخانه و سالن سخنرانی و دفتر شورای روستائی
- ۱۰- اقدام به حفیرچاه با همکاری اهالی برای تهیه آب آشامیدنی و تأسیس حمام

پس از فرار غاصبان زمین های روستا، شورا ۸۵ هکتار زمین را مصادره می کند و توسط اهالی تاتار علیا اوغلی بالا، اوغلی پائین و قورچای کاشت و برداشت جمعی آن را سازمان می دهد.

شورای تاتار علیا بعداً به همراه ۷ شورای روستائی دیگر "اتحادیه شوراهای منطقه تاتار علیا" را به وجود می آورد که رفیق شهید، فدائی خلق جرجانی هدایت آن را برعهده داشت. دهقانان ۸ روستای اتحادیه، رفیق جرجانی را انتخاب کرده بودند. "اتحادیه شوراهای منطقه تاتار علیا" وظایف زیر را تحت رهبری "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا" بر عهده گرفت:

- ۱- کاشت و برداشت همه زمین ها با نظارت و اداره شوراهای
- ۲- حفاظت از زمین های شوراهای دهقانی
- ۳- دفاع از حقوق دهقانان
- ۴- ایجاد صندوق شورا برای دهقانان
- ۵- تأمین بهداشت ده و واکسیناسیون اهالی
- ۶- تهیه دارو و امکانات درمانی
- ۷- ایجاد حمام و لوله کشی آب و جاده
- ۸- تهیه ابزار و ماشین آلات لازم برای کاشت و برداشت
- ۹- ایجاد کتابخانه
- ۱۰- برگزاری جشن های دهقانی، ملی و مذهبی و فراهم آوردن همه امکانات برای برخورداری احترام به آزادی معتقدات مذهبی و ملی و قومی
- ۱۱- ایجاد ارتباط با شوراهای دهات مجاور
- ۱۲- تأمین ارتباط با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

اینک رفیق جرجانی به شهادت رسیده است اما شوراهای و "اتحادیه شوراهای منطقه تاتار علیا" پابرجاست. زمین داران و حامیان آنان در این اندیشه اند که بساط ستمگری را دوباره بگسترانند لیکن این خیال خام و باطل دیگر نمی تواند به انجام رسد زیرا دهقانان ترکمن صحرا "اتحادیه شوراهای منطقه تاتار علیا" هوشیار و بیستادار پابرجاست، زیرا هر دهقان یک جرجانی است، یک مختوم است، یک واحدی است و یک توماج است.



سخنگوی سیاه پاسداران این مردم را خون آشام، مزدور، بیگانه و ضد انقلاب نامیده است. به راستی چه کسانی در رأس سیاه پاسداران قرار گرفته اند؟

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

کارنامه يك ساله

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

آماج تیرهای فراوان شد،  
توماج

رژیم پهلوی برای دربرندنگهداشتن خلق ترکمن تنها به سرنیزه وزندان و شکنجه متکمی نبود بلکه برای خاموش کردن فریاد حلق طلبانه خلق ترکمن لازم می دید که زبان ، فرهنگ و ملیت ترکمن را مورد تهاجم قرار دهد و آن را به ابتذال و فراموشی بکشد .  
رژیم پهلوی می ترسید که زبان ، فرهنگ و قومیت عامل وحدت و مبارزه خلق ترکمن شود . به این دلیل زبان ، فرهنگ ، سنتها و آداب و رسوم قومی خلق ترکمن مورد تهاجم قرار گرفت و آهسته آهسته رنگ باخت .

با اوچگیری مبارزات خلق های سراسر ایران ، انقلابیون و روشنفکران ترکمن صحرا برای کسب حقوق ملی و احیای فرهنگ و هنر و آداب و سنن خلق ترکمن فعالیت هایی را آغاز کردند و توانستند نهضت توده های دامنه داری را سازمان دهند .

دراواسط اسفند ۵۷ هزاران نفر در محفل دبیرستان مختومقلی فراغی ( هدایت سابق ) اجتماع کردند و پیرامون زبان ، ادبیات و تاریخ خلق ترکمن به بحث پرداختند . اجتماع کنندگان سپس به راهبیمائی پرداختند و با فریادهای ( اوخو گرگ ، خط گرگ ، ترکمنجه مکتب گرگ ) ( زبان می خواهیم - خط می خواهیم - فرهنگ ترکمنی می خواهیم ) از خواست خلق ترکمن دفاع کردند . در همین روزها بود که در محفل کتابخانه ملی و " کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سابق " کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن گشایش یافت .

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن با این اعتقاد که تمام خلق های ایران باید خود شیوه زندگی خود را انتخاب و آزادانه با زبان خود فرهنگ خود ، مذهب خود زندگی کنند ، در دو زمینه فرهنگی و سیاسی فعالیت خود را آغاز کرد . " کانون " دووظیفه فرهنگی و سیاسی را در برنامه خود قرار داد که وظایف فرهنگی عبارت بود از :

احیاء ادبیات و زبان اصیل ترکمنی - انتشار نشریه به زبان ترکمنی و فارسی و زنده کردن آثار کلاسیک خلق ترکمن - سوادآموزی و آموزش الفبای ترکمنی به کودکان ، نوجوانان و سایر علاقمندان - احیاء و معرفی فرهنگ ، هنر و موسیقی اصیل ترکمن - تحقیق درباره فولکلور خلق ترکمن - برپائی برنامه های ادبی ، هنری در مناطق ترکمن نشین ، مطالعه و بررسی تاریخ خلق ترکمن - برقراری کتابخانه در روستاها و مناطق روستائی ، بخترها و شهرهای ترکمن .  
وظایف سیاسی کانون عبارت بود از : ارتقاء آگاهی های دموکراتیک و سیاسی خلق ترکمن - تشویق و کمک در امر تشکیل شوراهای در سطوح مختلف منطقه ( شوراهای کارگری در کارخانجات و شورای کشاورزی و دامداران ) استرداد زمین های غصب شده از طریق شوراهای - تشکیل سندیکاها ( مثل سندیکای قالی بافان ) تشکیل کمیته های دانش آموزان و معلمان - تشکیل شوراهای کارمندان .

" کانون " که تقریباً مدت یک سال از بسد و تاسیس آن می گذرد توانست دهها شعبه در شهرها و مراکز بخش ترکمن صحرا دایر کند . ( مثل کانون " فرهنگی و سیاسی " در ترکمن قلا ( بندر شاه سابق ) در آق قلا ، کلاهد و گرگان ) و بدین وسیله ارتباطات خود را با مردم گسترده تر نماید .  
در مجموع صدها کتابخانه ، در روستاها ، بخشها و شهرها از طرف کانون و توسط جوانان پیشگام ترکمن صحرا برپا شد . کتاب های این کتابخانه ها

را خود مردم محل ، کانون و جوانان پیشگام اهدا نمودند و هزاران نفر از جوانان و دانش آموزان و کودکان عضو تابت این کتابخانه ها شدند . این کتابخانه ها که اغلب به نام شهدا نامگذاری شده است بیانگر عشق پاک خلق ترکمن به مبارزات راستین خود و عطش جوانان به دانش و آگاهی سیاسی است .

شعبه های " کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن " در مراکز بخش به فعالیت های چشمگیری در زمینه نمایش فیلم های مناسب برای روستائیان سخنرانی ها ، نمایشگاه های عکس از مبارزات مردم شهدای خلق ترکمن و سایر خلق ها و نمایشگاه های کتاب پرداخته است .

از جمله اقدامات ارزنده کانون در زمینه اعتلا و اشاعه فرهنگ خلق ترکمن ، انتشار نشریه ای به زبان ترکمنی و فارسی به نام " ایل گویجی " ( قدرت خلق ) است که در آن به بررسی و تحلیل تاریخ ترکمن ، دستاوردهای انقلاب پر داختنه و ادبیات و شعر ترکمن را نقد و بررسی می کند .

کمیته هنری و فولکلوریک کانون فرهنگی و سیاسی در جهت شناساندن و احیای فرهنگ و ادب خلق ترکمن به فعالیت همگانه مشغول است . این کمیته در بررسی و مطالعه زندگی زحمتکش روستاها ، جمع آوری سنن و آداب و رسوم آنان ایجاد زمینه مناسب برای نزدیکی هر چه بیشتر به توده ها ، آشنائی با مسائل و در مورد امور عمرانی از جمله مرمت پل ها در روستاها ، شن ریزی راه های روستائی ، تعمیر ساختمان های مدارس ، تخلیه بندر از کامیون ها و حمل و نقل محصولات و همکاری در کشت زمین های باز پس گرفته شده از غاصبین و زمینداران بزرگ مانند هزیر ، بیجاری پور و ... به تشویق و راهنمائی کانون جوانان دست به تشکیل گروه های زنده نامور بالاراد روستا و منطقه خود پیش بردند . از جمله می توان از گروهی به نام " برلشیک " و محصلین روستای " عوض حاجی " و صدها مورد دیگر را نام برد .

" کانون " توانست برخلاف تمایلات و سنگ اندازی های انجمن های وابسته به زمینداران و فئودال ها که بانام " اسلام " پوششی برای خود ساختند ، اهداف دموکراتیک خود را پیش برد و در امور سیاسی و صنفی فعالانه شرکت نماید . بطور نمونه می توان دفاع " کانون " را از جاننشین کردن انتخابات به جای انتصابات در آموزش و پرورش نام برد .

کانون سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن در قطعه های متعددی خواست های خلق ترکمن را به شرح زیر اعلام کرده است .

کانون در راه هدف های خود که دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن و پیگیری خواست های دموکراتیک خلق ترکمن بود و طی یک سال فعالیت شایستگی خود را به ثبوت رسانید ، اکنون کانون خانه همه ستم دیدگان ترکمن است . کانون خانه کارگران ، دهقانان ، دانش آموزان ، فرهنگیان کارمندان ، پیشه وران ، بازاریبان و روحانیون مترقی است . در این مدت یک سال همه این اقشار بارها پیمائی ها ، اعلامیه ها ، قطعه ها و پیام های خود بطور مکرر همبستگی خود را با کانون اعلام داشته اند . کانون از کمک های مادی و معنوی مردم برخوردار است . اکنون قلب خلق ترکمن در کانون و قلب کانون در مدارس ، کتابخانه ها ، شوراهای ، سندیکاها و ... می تپد . کانون به مبارزه خود ادامه می دهد و اهداف و برنامه های خود را دنبال می کند . چرا که تکیه گاهش خلق رنج دیده و ستمکش ترکمن است .

آری  
آماج تیرهای فراوان شدند  
ز زندگان خلق  
در موسم ترانه و گل چیدن  
در روزهای فصل شکفتن  
در لحظه ای که جنبش "شورها"  
می رفت تا حماسه مردم را  
پر بارتر کند  
وقتی سرود سرخ فدائی  
با جان جرجانی و مختوم  
با هستی مبارک توماج ،

با طواق  
پیوند عاشقانه ای می بندد  
بر آسمان آبی گنبد  
نامی بزرگ می گذرد ، از عشق  
نام عزیز شورا ،

قلب جوان دشت  
با سرنوشت روشن و خونینش -  
می داند

بی نام عاشقان وطن ، این بار  
گندم نمی تواند  
راه بلند و سرخ شکفتن را -  
طی کند

" تایماز " !  
اسطوره شهادت توماج  
از مرز باستانی تاریخ درگذشت  
بر مادرت ، عروس عروسان ، برخوان  
آواز روسفیدی گندم را

آری  
آماج تیرهای فراوان شد  
توماج

\*\*\*  
" تایماز " نام پسر توماج

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

## ما را برای اجرای حکم اعدام بردند ، یک خشاب ژ-۳ روی ما خالی کردند

### ... و رفتند

خندان به بیمارستان رسیدم . دکترها در مورد عمل روی من تردید داشتند و اظهار می داشتند به علت خونریزی زیاد و از بین رفتن بازوی چپ ، مرگم حتمی است . بالاخره تصمیم به عمل گرفتند ولی کسی نبود که رضایت نامه را بنویسد . چون ورود ترکن ها به آن بیمارستان ممنوع بود . ناچار خودم یاد م هست که با دست راست خونریزی رضایت نامه نوشتم و امضاء کردم و دکتر کریم غیاثی مرا به اتاق عمل برد و به تفاق چند وسیله عمل را در دست گرفته بودند من به هوش بودم و چون خون ، بسیار از بدنم رفته بود آ میول خوراکی به من تزریق کردند و یک نفر پرستار دائم مشغول تزریق خون بود تا عمل به خوبی انجام گرفت و از مرگ حتمی من جلوگیری شد و تزریق خون باز هم ادامه داشت و در بیمارستان قابوس حملا ۴ روز بی هوش بودم تا روز چهارم به هوش آمدم . بالای سرم خیرنگاران ایرانی خارجی بودند و فیلمبرداران ایرانی ضمن مصاحبه ، فیلمبرداری نیز می کردند . در همان ایام بستری بودن یک دختر دانش آموز افتخارا از من پرستاری می کرد و من محبت های او را فراموش نمی کنم .

دکتر کریم غیاثی لازم دانست که در تهران (بیمارستان پاستورنو) بستری شوم . من هیچ موقع خدمات و محبت های این دکتر نوع دوست و با شرف را فراموش نمی کنم و همچنین پرستاران و بهیاران شریعتی که به نحو احسن به من کمک کردند را فراموش نمی کنم . یک نکته لازم به یادآوری است که در موقع حرکت از گنبد به تهران به وسیله هلی کوپتر دکتران زنده ماندن من قطع امید کرده بود . در راه رود سابق هلی کوپتر به زمین نشست و من کاملاً به هوش بودم و حال خوب بود . پس از نشستن و سوخت گیری در آنجا کمی وقت به من دادند و برای تقویت روحیه من ، پرستارها با من عکس گرفتند و مجدداً چون دیدند حال من کمی بهتر است پرواز کردند و دو ساعت به دو ساعت به من تنفس مصنوعی می دادند تا این که به فرودگاه قلعه مرغی در تهران رسیدیم و از آنجا چون ترافیک مانع سریع رساندن من به بیمارستان بود باید هلی کوپتر دیگری مرا به نزدیکی بیمارستان رساندند و از آنجا به بیمارستان پاستورنو منتقل شدم . مدت دروز در اورژانس بستری بودم و حال کمی بهتر شد و به تقاضای خودم مرا به قسمت فوقانی بیمارستان بردند . در آنجا مشغول مطالعه کتاب

ترکمنی مختوم قلی فراغی و وقایع گنبد که یکی از دوستانم برایم آورد ، شدم و پس از چهار روز ماندن در تهران به راه افتادم که مابته تعجب دکترها مخصوصاً دکتر خلاقی شد . در حدود بیست روز در آن بیمارستان استراحت نمودم . دکتر نسبت به من بی نهایت لطف داشت . حتی می خواست برای درست کردن دست مصنوعی به هزینه خودش مرا به خارج بفرستد ولی دکتر فیوضات که دست و پای مصنوعی درست می کند این کار را انجام داد و کلیه هزینه آن را دکتر به خودم داد که شخصاً به او پرداخت نمودم . در مورد عمل با دقت چون دکترها مرا کمی ضعیف می دانستند قرار شد در سال بعد انجام شود و حالاً من کاملاً قوی هستم و تجربیات و بینش سیاسی و علمی برای خدمت به ستم دیدگان دارم و یان که دستم معیوب و تن و جانم شکست است با تمام نیروی عشق به خلق ، به مبارزه ادامه می دهم و تنها آزادی خلق های تحت ستم به مبارزه بی گیر خود ادامه می دهم و آرام نمی نشینم .

● من حریبان اجرای حکم اعدام خودم را در اینجا برایتان تعریف می کنم . این حریبان طی جنگ تحمیلی فروردین ۵۸ گنبد برای من پیش آمد .

اعلام کرد اگر شمارتشی های این دونفر را به ستاد ترکمن ها ببرید همه تان را نابود می کنیم . نظامیان از ترس حاشان از بردن ما به ستاد صرف نظر کردند و برای اعدام ما ، چند نفر ما مورهم به غیر ارتشی ها دادند . فرمانده آنها با ما شین شخصی خود قصد داشت ما را به میدان شماره یک اعدام ببرد که خبر دادند میدان ۱ و ۳۰ پر است به میدان ۲ برده شوند و ما را جهت اعدام به میدان ۲ بردند و در یک صحرای خلوت پیاده کردند و گفتند بسا دست های بالا رده قدم راه برویم و دستورا جراش و در پشت ما دونفر به حالت آماده ایستادند . اول ما مور ارتشی که پشت رفیق من آماده بود ، تیراندازی کردند و من دیدم تیرانزاحیه سر به رفیق من اصابت نمود و من نیز فکر کردم که سرم را نشانه گرفته ، شیرجه رفت روی زمین و تیر به سر بازوی چپم خورد و چون با تفنگ ژ-۳ تیراندازی می کردند آضربه آن یک دور کامل مرا دور خودم چرخاند و تیر دوم هم از همان ناحیه اصابت کرد و افتادم و در موقع افتادن شمار می دادم که موجب عصیانیت آنها شده بود و این بار از فاصله ۵ متری مرا به رگبار بستند در همان رگبار یک تیر از زیر بغل و ۲ تیر از کمر و ۲ تیر از روی کتف به صورت سطحی



رود شد . البته تیری که به زیر بغل خورد پس از معاینه و معالجه دکترها معلوم گردید . باعث قطع شدن ریه چپ و شکستن استخوان و دنده ها گردیده است و برای اصابت به قلب یک سانتی متر فاصله داشته است . دوتیری که به کمر خورد باعث پارگی روده باریک شده که منجر به قطع ۱/۲ سانتی متر روده باریک من گردید . در میدان اعدام پس از اصابت کله تیرها متوجه شدند که من زنده هستم . آمدند و ناحیه شکم مرا لگد کوب کردند . به قدری با حرص و غضب می کوبیدند که خسته شدند . در اثر فشار ضربه های پوتین ارتشی رگ های دور نافم پاره شد و ایجاد باد قق کرد ، که نیاز به عمل جراحی به گفته دکترهای معالجم دارد . پس از لگد چون فکر کردند من مرده ام رفتند . پس از رفتن آنها روحیه ام را باز یافتیم و بسا همان حال شروع به غلطیدن به طرف جاده کردم . در آن اثناً مبولانس گروه امداد طالبانی رسیدند . آنها مرا با خود به بیمارستان قابوس بردند . لازم به گفتن است که در موقع غلت خوردن تمام تن آغشته به خونم با خاک پوشیده شد و مثل سریشم به بدنم چسبیده بود ولی من با روحیه ای قوی و

من عبدالجبار فرزندانرک کا مادرم آبی سلطان و دارای یک برادر به نام عبدالستار ۴ ساله در خانواده کارگر فصلی بسیار فقیر بود بی چیز متولد شد و پدرم در آن محیط برای امرار معاش قطعه زمینی که بتواند زندگی ما را تامین نماید در دست نداشت و با کارگری در فصل های مختلف ، رانندگی تراکتور و ماشین ، غذای بخور و نمیر خانواده را تامین می کرد و از دنیایا و تحولات آن بی خبر بود . خلاصه بزرگ شدم و با مشکلات فراوان کلاس سوم راهنمایی را در مدرسه راهنمایی امیری به پایان رسانیدم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۵ به دبیرستان نظری هدایت قدیم ( مختوم قلی فراغی جدید ) رفتم و تا سال ۱۳۵۸ سوم نظری رشته اقتصاد - اجتماعی راه با پایان رسانیدم . البته در حین تحصیل ایمان به نوع دوستی و سنت ها و فرهنگ ملی در من موج می زد تا این که بر حسب وظیفه انسانی خود در جنگ تحمیلی گنبد برای کمک به دوستان جنگ زده خود شناختم و اسلحه به دست دوش به دوش برادران از حقوق اجتماعی و خلقی خود دفاع کردم و با قدرت تمام در برابر عوامل زمینداران و سرمایه داران و دست نشاندهگان آنان ، بی امان مقاومت کردم تا این که روز آخر مبارزه ، آتش بساز طرف هیئت اعزامی دولت بازگان بر تمام رزمندگان به وسیله بلندگو اعلام شد . ما جرایس از اعلام آتش بس شروع شدند ، چون در آتش بس های مکرر قبلی ، در سنگرمقابل من اطلاع داده بودند ، ساواکی ها قرار داشتند که قبلاً نیز از جانب آنها آتش بس شکسته شده بود ، با هوشیاری مواظب بودیم تا با زهم به وسیله آن عوامل ، جنگ تجدید نشود . تا این که از ستاد به وسیله تلفن اعلام کردند که ارتشی ها به طرف شما و برای دستگیری و خلع سلاح آن عوامل می آیند و نباید تیراندازی شود . به من و یک نفر دیگر و سنگرمقابل اطلاع داده شد که تیراندازی نکنید تا این که ارتشی ها آمدند و سنگرمقابل را با وجود این که رزمز رد و بدل شد خلع سلاح کردند و به طرف سنگرمآمدند و من هم به احترام آتش بس رزمیز اعلام کردم . توجه نکردند و با سنگرگیری و فرمانده در جلو ، به یک متری من رسیدند . ناچار ایستادم . همگی دست بالا شدند . ساواکی ها از این جریان سوء استفاده کرده از پشت به من حمله کردند و به خاطر این که فکر می کردم ارتشی ها خود ساواکی ها را شناخته و آنها را به دام می اندازند ، من تیراندازی نکردم و آنها مرا دستگیر کردند و بسا خودشان به اتفاق نظامیان به مسجد بردند و در مسجد به من آب دادند . نخوردم و از مسجد مرا بیرون آوردند . عده ای که در بیرون مسجد جمع شده بودند مرا سنگباران کردند . آنها سنگ زیاد تر پرتاب کردند و در حین سنگسار کردن سرفریق هم سنگرم شکست . تا این که پرتاب سنگ متوقف شد و چند جوان به من حمله کردند و چند لگد به ناحیه شکم کوبیدند و با استقامت و حمله من کنار رفتند و در همین اثنا نیز ارتشیان بی تفاوت تا شامی کردند تا دست و چشم رفیق مرا بستند و نوبت بستری دست من رسید و من با صدای بلند اعلام کردم نمی گذارم دستها و چشمانم بسته شود . با چشم باز مرا بکشید . در این وقت عده ای ارتشی بر روی من ریخته و چشم را بستند و من با دست خود نقطه دیدی باز کردم . در اینجا یکی از ساواکی ها اعلام کرد که اعدام برای اعدام به بیابان ببریم . در اینجا ارتشی ها زبان باز کردند و گفتند به ستاد تحویل می دهیم تا مبادا سراسر شود . در این میان یکی از غیر ارتشی ها که رول فرمانده را بازی می کرد

پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



# فاجعه ترور رفیق بیژن جزنی و هم‌زمان تکرار شد فدائیان خلق، فرزندان دلاور خلق ترکمن توماج، مختوم، واحدی و جرجانی را در زندان ترور کردند و به شهادت رساندند.

تیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق واحدی و حسین جرجانی فرزندان دلاور فدائیان خلق ترکمن در زندان حبس بودی اسلامی پنهانی و جانمردانه به شهادت رسیده‌اند.

شهادت قهرمانانه رفقا امتحان بزرگی است برای سازمان ما. سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران، افتخاری که ثابت می‌کند، فدائیان خلق به عهد و پیمانی که با نثار خون خویش بسازا زحمتکشان میهن خود بسته‌اند. همواره تا ساق جان وفادارند.

شهادت قهرمانانه رفقا لکه تنگی است بر دامان رژیم. شهادت رفقا سند جنایت جنایتکاری است که در راس سپاه پاسداران و ارتش قرار گرفته‌اند.

ترور رفقای دلاورمان مختوم، توماج، واحدی و جرجانی در زندان پاسداران انقلاب اسلامی ایران، فحایع رژیم سفاک و ضد بشری شاه جلاد را از نو تکرار کرده است. این ترور درست تکرار همان جنایاتی است که رژیم شاه در اوج جنایتی مرتکب می‌شد. این ترور صحنه شهادت رفقا بیژن جزنی و هشت انقلابی دیگر را تکرار کرده است.

هنگامی که تهرانی جلاد ساواک صحنه ترور ناجوانمردانه رفیق بیژن جزنی و دیگر شهیدان خلق را در محاکمات خویش توضیح می‌داد بسیاری از مردم میهن ما، گریستند. مردم فکر می‌کردند دیگر شاهد چنین جنایاتی نخواهند بود. اینک یک سال پس از نیام خلق، فدائیان خلق شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق واحدی و حسین جرجانی فرزندان دلاور خلق ترکمن در زندان جمهوری اسلامی به همان شیوه وحشیانه به شهادت می‌رسند. بدون تردید این جنایت هولناک تخم و اعتراض همه نیروهای انقلابی، همه مردم زحمتکش میهن و همه خلق‌های ستکن جهان را در پی خواهد داشت.

رفقا که از شایسته‌ترین و محبوب‌ترین فرزندان خلق ترکمن بودند. ساعت دو بعد از نیمه شب ۱۹ بهمن ماه یعنی چند ساعت قبل از برگزاری مراسم بزرگداشت قیام و حماسه سیاهکل در شهر گنبد توسط سپاه پاسداران بازداشت می‌شوند. تعدادی از بازداشت شدگان روزهای درگیری که بعد از آزاد شدند از قول پاسداران نقل کرده‌اند که از تهران چهار نفر را احضار کرده‌اند و پاسداران هم آنان را به تهران برده‌اند و تحویل زندان اوین داده‌اند.

روز پنجشنبه ۲۵ بهمن ماه مطلع شدیم که رفقا از زندان اوین به مرکز سپاه پاسداران منتقل و به شخصی به نام "رفیق دوست" تحویل داده شده‌اند. در همین روز بنی صدر به یکی از مسئولین سازمان اطمینان می‌دهد که خلخالگی

برای محاکمه به گنبد نرفته است و جان هیچ یک از بازداشت شدگان در خطر نیست.

روز یکشنبه ۲۸ بهمن ماه، فرستاده سازمان که از تهران به گنبد اعزام شده بود با خلخالگی ملاقات می‌کند و از وی می‌خواهد که بازداشت شدگان، به ویژه رفقا مختوم، توماج، جرجانی و واحدی آزاد شوند. خلخالگی در جواب می‌گوید دستور داده است آنها به تهران اعزام شوند. به علاوه تأکید می‌کند که هیچ یک از بازداشت شدگان در گنبد محاکمه نخواهند شد.

روز دوشنبه ۲۹ بهمن، مردم بیکرتیرباران گنبد، فدای دلاورمان، فرزندان قهرمان خلق ترکمن، شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق واحدی و حسین جرجانی که در دهانه توسط درخیمان ترور شده بودند، در جاده بیخ دختورد و گنبد مشاهده می‌کنند.

این جنایت فجیع که درخیمان ساواک را در برابر تاریخ روسفید ساخته است، نشان دهنده گنبد ترور نه‌ترین دشمنی‌ها با خلق‌های قهرمان میهن و به ویژه خلق مبارز و زحمتکش ترکمن است. این جنایت ثابت می‌کند که عوامل معینی در جمهوری اسلامی ایران به ویژه در راس سپاه پاسداران و ارتش برای حفظ منافع پلید خویش و برای احیای همان رژیم سابق از ارتکاب هیچ جنایتی دریغ نمی‌کنند.

نمره خون هزاران شهید خلق اکنون در دست کسانی قرار گرفته است که نیمه شب دزدانه راه را بر انقلابیون خلق می‌بندند و آنان را شکار می‌کنند. این جلادان انقلابیونی را شکار می‌کنند که با همه هستی خویش به دفاع از منافع طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش برخاسته و آنان را برای مبارزه علیه سرمایه‌داران و زمین‌داران، علیه رژیم جنایتکار شاه و در راس همه آنان علیه امپریالیسم آمریکا هدایت کرده‌اند.

این درخیمان که انقلابیون خلق را می‌زدند و در زندان‌های رژیم به رگبار مسلسل می‌بندند ابلهانه در این خیالند که جنایاتشان از چشم مردم آگاه و مبارز ما پنهان خواهد ماند. ولی به‌گواه تاریخ آنان هیچ سرنوشتی جز سرنوشت همان درخیمان ساواک، امثال تهرانی‌ها و جیبی‌ها و اربابان جنایت‌پیشه‌شان نخواهند داشت. مردم آگاه و مبارز میهن ما نقشه کسانی را که می‌خواهند سپاه پاسداران را به همان سپاه جنایتکاران ساواکی تبدیل کنند، نقش بر آب خواهند کرد. اکثریت پاسداران همان جوان‌های زحمتکشی هستند که در روزهای قیام خلغوی گلوله‌های درخیمان ساواکی و ارتش سینه سپر کردند و از مرگ نهراسیدند. بیشتر آنها از میان مردمی برخاسته‌اند که روزهای قیام سلاح برگرفتند و رژیم شاه را به گور سپردند. اکثر پاسداران از طبقات زحمتکش میهن برخاسته‌اند. آنها بنایت پیشبرد انقلاب سلاح

بر دوش گرفته‌اند و حال آن که، اکنون در درون سپاه پاسداران و به ویژه در راس آن باندهای جنایتکاری قرار گرفته‌اند که فتوادل‌ها را مسلح می‌کنند و دستور شکار انقلابیونی را می‌دهند که رهبری مبارزه دهقانان را علیه فتوادل‌ها و زمینداران بزرگ برعهده داشته‌اند.

آنان که اکنون این جنایات را علیه انقلاب خونین خلق رهبری می‌کنند آنان که می‌خواهند سپاه پاسداران را به سپاه شکار انقلابیون تبدیل کنند. بدانند که خلق ما هرگز اجازه نخواهد داد رژیم سفاک محمد رضاشاهی و شکنجه‌گاه‌ها و به اصطلاح "کمیته‌های ضد خرابکاری" آن دوباره بر او تحمیل شود.

در این میان آقای رئیس جمهور نه تنها در برابر این جنایت هولناک سکوت کرده، بلکه آشکارا با جنایتکاری که دست خود را به خون خلق و فرزندان دلیران آلوده‌اند هم آواز شده و ساندشورهای خلق ترکمن را لانه فساد نامیده است.

آقای رئیس جمهور راه کشتار خونین خلق ترکمن را در پیش گرفته است.

آقای رئیس جمهور خود به زبان خویش گفته است که ما خانه به خانه خواهیم گویید و این نازده ده درصد از قاطعیت ما است.

آقای رئیس جمهور اینک باید به خلق‌های قهرمان ایران پاسخ دهد که جنایتکاری که فرزندان کبیر خلق ترکمن را از زندان تحویل گرفته و به شهادت رسانده‌اند از چه کسانی دستور گرفته‌اند؟ آیا آقای رئیس جمهور از این جنایات هولناک مطلع بوده است؟ آیا آقای رئیس جمهور ترور فدائیان خلق، رفقای قهرمان ما، شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق واحدی و حسین جرجانی را نیز به حساب قاطعیت خود می‌گذارد؟ آیا حاضر است مردم از حقایق پشت پرده این جنایات هولناک مطلع شوند؟

بدون تردید دیری نخواهد پایید که جنایتکاری که در راس ارتش و سپاه پاسداران قرار دارند و همه دشمنان جنایتکار خلق که این جنایات را رهبری می‌کنند، در پیشگاه خلق‌های قهرمان ایران به کیفر خواهند رسید و خلق کبیر ما انتقام همه این جنایات را از دشمنان جنایت‌پیشه خود خواهد گرفت.

پیروزی از آن خلق‌هاست. برافراشته‌باد پرچم خونین سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایستادگان پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران گرامی باد خاطر همه شهدای خلق مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های ایران سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران  
شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۸

## با بود باد جبهه سرما یه داران و زمین داران



### نگاهی بر

## نیم قرن پیکار دهقانان ترکمن صحرا

خون هائی که در طی بیش از ۵۰ سال گوشه و کنار ترکمن صحرا را گلگون کرده است ، حامل پیام درخواست نوده های وسیع خلق ترکمن برای احقاق حقوق از دست رفته آنها در مورد مسئله زمین و مسئله آب است .

مسئله زمین ریشه خود را در ستمی دارد که نیم قرن پیش رضاخان پایه گذار آن بود . همراه با تثبیت حکومت خود ، رضاخان دست به تصرف اراضی وسیع زراعی در گوشه و کنار ایران زد و ترکمن صحرا را نیز ، که دارای یکی از مرغوبترین زمین های زراعی ایران است ، کاملاً به تصرف خود در آورد .

املاک رضاخان از شرق مازندران تا حوالی بجنورد امتداد داشت . زمین های زراعی ، جنگل ها و نیز راه ها حتی عرصه شهرهای ترکمن صحرا به تصرف رضاخان درآمد و مقاومت خلق ترکمن در مقابل این عمل غاصبانانه با قساوت تمام در هم شکسته شد و توده های وسیع ترکمن به صورت رعیت های رضاخان درآمدند . این وضع ناخوشگوار و ستمناز و سقوط دیکتاتوری رضاخان ادامه یافت .

سال های بعد از سرنگونی رضاخان ، که سال های رشد و گسترش جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک و کارگری در سراسر ایران بود رژیم پهلوی دست به عقب نشینی زد و بخشی از زمین های غصب شده توسط رضاخان را ، به ترکمن ها واگذار نمود . البته کماکان بخش اعظم زمین های ترکمن صحرا در اختیار دربار باقی ماند و زمین های تقسیم شده نیز عمدتاً به خان های ترکمن و عناصر ترکمن مزدوری که با رژیم رضاخان همکاری کرده بودند ، واگذار می شد . به گروه های وسیعی از روستائیان ترکمن قطعات کوچک زمین واگذار شد .

با شکست نهضت ملی ایران در جریان کودتای ۲۸ مرداد شرایط جدیدی به وجود آمده بود . از کودتا و بخصوص بعد از اصلاحات ارضی روابط سرمایه داری در ترکمن صحرا به سرعت رشد نمود . رژیم شاه مخلوع بخش های وسیعی از زمین های غصبی دوران رضاخان را به روسای ارتش و کارمندان عالی رتبه ادارات واگذار نمود . بسیاری از کارمندان عالی رتبه دولتی مقیم محل ، کارمندان شهربانی و ژاندارمری و دادگستری به انکاء موقعیت خود زمین های بسیاری را غصب نمودند . همچنین سرمایه دارانی که در این دوره به ترکمن صحرا هجوم آوردند ، با حمایت هایی که دولت از آنها می نمود ، توانستند زمین های وسیعی را به تصرف خود در آورند .

در مجموع در انتهای این دوره یعنی قبل از آغاز جنبش انقلابی در سال های ۵۶-۵۷ ، توده های وسیع روستائی ترکمن به مرزهای قطعه زمین های کوچکی رانده شده و وسیع ترین اراضی ترکمن صحرا در تصرف گروهی از سرمایه داران ناسرو و وابستگان به دربار و جمع کوچکی از خان ها و عناصر مزدور ترکمن ، که سالها به عنوان عوامل رژیم پهلوی فعالیت می کردند قرار داشت . اگر چه ترکمن صحرا به ظاهر آرام به نظمی رسید ولی در بطن این آرامش ظاهری ناشی از سالها سرکوب و اختناق ، موجی از کینه و نفرت نسبت به زمینداران غاصب و دیکتاتور ها شکل گرفته بود که با فراهم آمدن مجموعه شرایط لازم قدرت شکوهمند خود را به نمایش گذاشت . جنبش عمومی و سراسری ایران این شرایط را فراهم نمود . جنبش روستائیان ترکمن صحرا علیه زمینداران غاصب تا قبل از سرنگونی دیکتاتوری شاه ، با مساعدی راکنده ای داشت ، با سقوط رژیم تمام ترکمن صحرا را فرا گرفت .

جنبش روستائیان ترکمن با شعار "باز پس گرفتن زمین های غصبی و زمین های عناصر وابسته به دربار" آغاز شد و به سرعت گسترش یافت . روستائیان ترکمن به انکاء نیروی انقلابی خود زمین های غصبی را باز پس گرفته و با تشکیل شوراهای روستائی عملاً کنترل بر زمین و وسایل دیگر تولید و توزیع محصول را به عهده گرفتند . برای اولین بار روستائیان ترکمن نه به خاطر جمعی مزدور غاصب ، بلکه برای بهبود زندگی خود ، کشت و کار می کردند . غلیبرغم تمام توطئه های زمینداران غاصب و خون های بسیاری که برای خلق ترکمن بر زمین ریخته شد ، جنبش کماکان به رشد خود ادامه داد و هر روز مناطق جدیدی از ترکمن صحرا را فرا گرفت . بارشده مبارزه طبقاتی در سرزمین ترکمن صحرا دهقانان ترکمن پیوسته زمین های غصب شده بیشتری را باز پس می گیرند و برای نابودی زمین داری بزرگ متحد تر و متشکل تر می شوند . آنها به یاد داشتند که برای مشکلات خود همیشه در ده دور هم جمع می شدند . ریش سفیدان صحبت می کردند . نظام ده حرف خود را می زد و انکاء تصمیم گرفته شده را به اجرا می گذاشتند . آنها این سنت را داشتند و از این سنت برای پیشبرد مبارزات خود بهره می جستند . ابتدا روستاها جدا از هم دست به کار شدند . پیرمردان ده و جوانان تحصیل کرده روستا پر شور و فعال و همگام با یکدیگر مبارزه را سازمان می دهند . جوانان در بحث حل مسائل که روستائیان تشکیل می دهند شرکت می کنند و هدف های مبارزات دهقانان را توضیح می دهند . در بیشتر دهات نه تنها زمین ها باید مصادره می شد بلکه می بایست حمام ، راه بیمارستان ، مدرسه ، ماشین آلات ، بذرو کودک کتابخانه و هزاران امکان دیگر در اختیار دهقانان قرار گیرد . هم اینها را رژیم مغزوبهلوی از آنها دریغ کرده است . جنبش مصادره زمین به سرعت در روستاها پیش می رود و انقلابیون ترکمن صحرا با زحمات شبانه روزی خود تلاش می کنند این جنبش را آگاهانه عمق و وسعت بخشد .

در اوایل اسفند درده منطقه شورای روستائی برپا شد و در اوایل فروردین ماه ۵۸ در بیش از ۵۰ منطقه شوراهای دهقانی تشکیل شد . سقوط رژیم پهلوی بر سرعت ایجاد شورا افزود . شوراهای دهقانی وسیله ای بود برای احقاق حق دهقانان که از دل مبارزات آنان علیه زمینداران بزرگ بیرون آمده است . ضرورت پیشبرد همین مبارزه بود که ستاد مرکزی شوراهای دهقانی ترکمن صحرا را به وجود آورد .

در روز ۲۵ اسفند ، ستاد مرکزی شوراها ، برپایه شوراهای دهقانی در جریان مبارزه دهقانان ساخته شده بود موجودیت خود را اعلام کرد . ستاد مرکزی شوراها ، نظارت بر کار شوراها ی دهقانی ، پیشبرد امر مصادره زمین ها و برررسی مسئله ارضی و هدایت و ارتقاء مبارزه دهقانان را به عهده گرفت .

ستاد مرکزی شوراها ، تاکنون از جمله ده گردهمایی بزرگ تشکیل داده است . این گردهمایی ها که در آن نمایندگان همه شوراها و اتحادیه های دهقانی شرکت داشتند زمینه لازم را برای گسترش همکاری شوراها و انتقال تحریکات توده دهقانان به یکدیگر فراهم می آورد . در این گردهمایی ها ، مبرم ترین مسائل ارضی و سیاسی منطقه با دهقانان در میان گذاشته می شد . در ادامه مبارزات و با ارتقاء آگاهی دهقانان ترکمن صحرا مبارزه اهداف پیشرفته تری را در مقابل خود قرار داده هر چه پیشتر لایه های پائین تر اجتماعی در روستاها (دهقانان کم زمین و بی زمین

### پیرمردان ده جوانان تحصیل کرده روستا ، پر شور و فعال همگام

#### با یکدیگر مبارزه را سازمان می دهند .

ترکمن و کارگران کشاورزی بلوچ و زابلی (به صحنه مبارزه کشیده می شوند . زحمتکشان ترکمن و کارگران بلوچ و زابلی که به علت تبلیغات ضد مردمی رژیم پهلوی و دامن زدن به تعصبات مذهبی و قومی از هم دور نگهداشته شده و نسبت به هم احساس دشمنی می کردند . روز به روز به هم دیگر نزدیک تر شده و حتی در باره ای موارد ستاد مرکزی شوراها در شوراهای واحدی متشکل شدند و در کنار دهقانان ترکمن به تصرف زمین های مالکین بزرگ پرداختند . تشکیل اتحادیه های روستائی (متشکل از شوراهای روستائی یک منطقه) و بالاخره "اتحادیه سراسری روستاهای ترکمن صحرا" محصول این مرحله از شده مبارزه در روستاهای ترکمن صحرا است . این اتحادیه بیانگر قدرت توده های وسیع روستائی ساکن در ترکمن صحرا است که توسط ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا سازمان یافته است تا روستائیان منطقه را برای ساختن یک زندگی خالی از ستم و آزاد توانا تر و قدرتمند تر سازد .

خلق ترکمن کشور ایران همه ترور فاعل نشده بود . چهارشنبه ۵۸ شهان و مختوم و توماج و جرجانی کاندیدان مجلس معرفی گردیدند . با اطلاع کانون ها و فرقه های خلق ترکمن از این نقل می کنیم .

## خلق مبارز ترکمن به فرزندان قهرمان خود عبدالحکیم مختوم و درخشنده توماج رأی میدهند

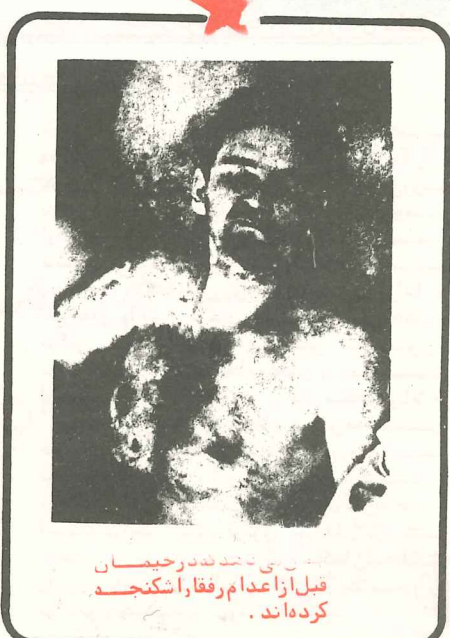
عوامل امپریالیسم و ایدئولوژی سرمایه داری وابسته جنگی خونین را به خلق ترکمن تحمیل کردند . جنگی که تاکنون به قیمت جان دهها هم میهن ما تمام شده اما خلق به باخاسته ترکمن برای تحقق خواسته های اساسی خود و در راه همه برای به دست آوردن زمین و صلح با تمام نیرو و در تمام جبهه ها به پیگاری ایمان خویش ادامه خواهد داد . دستگاه حاکمه و زمینداران بزرگ که از مدتها پیش در فکر برافروختن جنگ در ترکمن صحرا و برچیدن شوراهای دهقانی بوده اند و در ساعت ۲ بامداد روز ۱۹ بهمن چند ساعت قبل از وقوع درگیری عبدالحکیم مختوم و درخشنده توماج ، جرجانی و واحدی را که همگی از فرزندان خلق ترکمن و از شخصیت های مورد اعتماد مردم ترکمن صحرا هستند اسیر می کنند و تا امروز نیز این ۴ نفر در بازداشتگاه های مخفی نگاه داشته شده اند .

ما ضمن اعتراض به این بازداشت و ضمن محکوم کردن همه دسیسه هایی که علیه خلق ترکمن و به ویژه دهقانان زحمتکش تدارک دیده شده است اعلام می کنیم که این فرزندان باید فوراً آزاد شده و عاملین بازداشت آنان مورد تعقیب قانونی قرار گیرند .

کانون سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن به پاس سالها مبارزه پرتلاش در راه رهایی ایران از سلطه امپریالیسم و سرمایه داران درخشنده و درخشنده توماج را برای دفاع از منافع خلق ترکمن و دیگر خلق های زحمتکش میهن صالح ترین افراد تشخیص داده و آنان را از شهرستان گنبد برای نمایندگی مجلس شورای ملی معرفی می نماید و از تمام توده های مبارز می خواهد که با پشتیبانی از آنان یک گام دیگر در راه گسترش مبارزه مردم زحمتکش گنبد علیه سرمایه داران و زمینداران بزرگ و در هم شکستن توطئه های آنان به پیش بردارند .

کانون سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن  
چهارشنبه اول اسفند ۱۳۵۸

## از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



رفیق شهید شیری محمد در خشنده توماج  
قبل از اعدام رفقا را شکنجه کرده اند.

### فدایی شهید رفیق شیرمحمد در خشنده توماج

رفیق شهید شیرمحمد در خشنده توماج، عضو مسئول سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در روستای یکنه سالیان، به دنیا آمد و تحصیلات خود را در رشته ادبیات و علوم انسانی به پایان رساند. رفیق از دوران کودکی شوق زیادی برای مبارزه در راه رهایی زحمتکشان در خود احساس می کرد. رفیق در رژیم سابق دو بار باراول به مدت ۶ ماه و بار دوم به مدت سه سال به زندان افتاد. پس از قیام، رفیق به عنوان مسئول روابط عمومی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا برگزیده شد. در ترکمن صحرا همه او را می شناختند. زمین داران و عوامل مزدور آنها همواره نقشه سرور وی را می ریختند. دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا این فرزند برومند و فدائی خود را عمیقاً دوست می داشتند و به وجودش افتخار می کردند. عشق عظیمش به زحمتکشان گاه باعث می شد دو روزندش مدتها نتوانند پدر خویش را ببینند. توماج را دهقانان آنچنان نزدیک به خود می دانستند که ساده ترین مسائل و مشکلات خانوادگی خود را نیز با او در میان می گذاشتند. حرف توماج برای دهقانان حجت بود. توماج زبان دهقانان ترکمن بود. او تجسم اراده خلق ترکمن بود.

### فدایی شهید رفیق عبدالحکیم مختوم

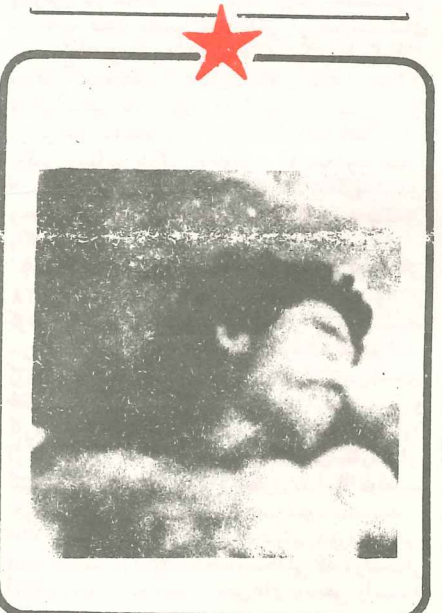
رفیق شهید عبدالحکیم مختوم، عضو مسئول سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در یک خانواده کارگری بد دنیا آمد. پدرش کارگر ساده ای بود و مادرش نیز با قالیبافی به اقتصاد خانواده کمک می کرد و همیشه دارقالی در گوشه ای از خانه شان وجود داشت. رفیق در محیطی کارگری بزرگ شده بود و با درد و رنج کارگران در جامعه سرمایه داری عمیقاً آشنا بود. رفیق تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در دبستان و دبیرستان های گنبد به پایان رساند و با شغل معلمی راهی روستاهای اطراف گنبد شد تا هر چه بیشتر در میان زحمتکشان دهقانان باشد و از این طریق بتواند به دهقانان زادگاه خود و به فرزندان آنها طریقه مبارزه با زمین داران بزرگ و سرمایه داران را آموزش دهد. او در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی کرد. رفیق از بدو تا سپس کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فعالیت گسترده ای در این نهاد های انقلابی داشت. او

### فدایی شهید رفیق عبدالحکیم مختوم

روحیه ای استوار و بولادین داشت و همواره تکرار می کرد کسی که به راه انقلاب وارد می شود نباید خستگی را احساس کند. رفیق عبدالحکیم در دل دهقانان منطقه جای داشت و اگر در میان دهقانان اختلافی بروز می کرد، رفیق حلال اختلافات بود. رفیق در میان همه دهقانان از زابلی گرفته تا بلوچ و ترکمن از محبوبیتی عظیم برخوردار بود.

### فدایی شهید رفیق طواق محمد واحدی

شهید فدائی خلق، طواق محمد واحدی در سال ۱۳۴۲ وارد دانشکده حقوق قضائی دانشگاه تهران شد. از بدو ورود به دانشگاه در حالیکه حرکت های سیاسی ضد رژیم شرکت کرد و خصوصاً در اعتصابات تاریخی شرکت واحد نقش بسیار فعال و سازماندهی داشت. در سال ۱۳۵۰ در ارتباط با فعالیت های سیاسی ضد دیکتاتوری بازداشت گردید و در تمام مدت زندان نمونه بارزی از مقاومت بود. بعد از آزادی از زندان با پیگیری به ادامه فعالیت های سیاسی پیشین پرداخت. رفیق در دوره سربرازی نیز به بیرجند تبعید شد. در سال ۱۳۵۳ در دادگستری مشغول به کار شد و در تمام طول مدت اشغال در دادگستری خصوصاً با بالاگیری موج مبارزات ضد رژیم همیشه در کنار مردم علیه دشمن مبارزه کرد. در جریان سیل گنبد نیز محل خدمت خود را در بندر عباس رها کرد و به کمک برادران ترکمن شرافت و برانحرفت گیری قاطع طرح مبارزاتی ارتجاع منطقه خصوصاً زمینداران بزرگ در قفب مردم جای گرفت. به شکلی که با اکثریت قریب به اتفاق آراء به عضویت و سپس ریاست شورای شهر برگزیده شد. در طول چند ماه خدمت در این مقام با وجود اشکال تراشی ها و مخالفت های مترجمین و زمینداران بزرگ و وابستگان رژیم سابق به شهادت مردم منطقه قدم های بلندی در جهت تحقق خواست های توده های مردم خصوصاً در زمینه تاسیس شوراهای دهقانی و محلی برداشت که در سایه تشکیل این شوراهای و تشکل و پیوند توده ها در آن سنگرهای ارتجاع و زمینداران بزرگ به دست توده های متشکل کارگران و دهقانان و روشنفکران و زحمتکشان متعهد یکی بعد از دیگری سقوط کرد. دلآوری ها و قهرمانی های رفیق شهید طواق محمد واحدی به قدری در قلب توده ها ریشه داشت که از او در حیاتش اسطوره ساخته بودند.



### فدایی شهید رفیق حسین جرجانی

رفیق حسین جرجانی در یک خانواده کشاورز به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در گنبد به اتمام رساند و سپس مدرسه عالی کشاورزی همدان را به پایان رساند. رفیق از دوران کودکی با مطالب زمین داران بزرگ و ژاندارم های رژیم شاه آشنا شد. رفیق حسین جرجانی عضو سازمان بود و فعالانه در استرداد زمین های غصب شده روستاهای ترکمن صحرا شرکت داشت. رفیق از جانب دهقانان به عضویت شورای روستای تاتار که از شوراهای نمونه دهقانی است، درآمد. رفیق در شکل گیری اتحادیه منطقه تاتار علیا در مقابل زمین داران و عوامل آنها نقشی بسیار موثر داشت و خود نماینده اتحادیه تاتار علیا در اتحادیه سراسری شوراهای روستائی ترکمن صحرا بود. تلاش های رفیق حسین برای ارتقای آگاهی سیاسی و تشکل زحمتکشان بلوچ و زابلی و همگام ساختن آنان با زحمتکشان ترکمن نمونه ای از فعالیت های برجسته انقلابی است.